



شماره ۳۹

- ۱- مناجات ای یاران دست شکرانه بد رگه خداوند
- ۲- آثار مبارکه تمنای توفیق خدمات نموده بودی
- ۳- کلمات مکنونه ای بندگان من شما اشجار رضوان
- ۴- تاریخ عصرتکوین - شروع قیادت بیت عدل اعظم
- ۵- اصول اعتقادات عالم خلق
- ۶- حیوة بهائی } نقش سرور د رصحت
بیانات حضرت حرم د رباره حضرت ولی امرالله
- ۷- زبان عربی

ای یاران دست شکرانه بد رگه خداوند یگانه بلندکنید و بگوئید ای خداوند یکتا ای پروردگاری همتا ستایش و نیایش تو را که این اکلیل جلیل را بر سر این ضعفا نهادی و این ردا^۱ - عزت ابدیه را بدوش این فقرا دادی . پرتو تقدیست بر هیکل ترا بی زد انوار جهان ابدی ظاهر شد . شعله عنایت از نار موقده ظاهر شد و قلوب را حیات جاودانی داد . شکر تو را بر این موهبت و بر این عنایت و بر این رحمت که این ضعفا را به آن مخصص داشتی . تویی کریم و رحیم و مهربان . ع

مجموعه مناجات ۲ ص ۹

* * * * *

آثار مبارکه :

حضرت عبدالبهاء میفرماید :

قوله الاحلی : "تمنای توفیق خدمات نموده بودی الیوم اعظم خدمات نصیحت یاران است و هدایت گمراهان . اهل بها باید همواره یکدیگر را به نصایح محرمانه دلالت بر نیستی و فنا و حق - پرستی و فنا و محویت در جمیع شو^۲ون نمایند زیرا که اعظم آفات و اصعب عقبات راحه وجود است که از انسان استشمام گردد و ستایش خویش نماید و مدد و حیث خود خواهد . این دلیل وجود است و شعله آتش موقود . باری یا این را به محویت و فنا خواند . تا

سبب حصول عزت کبری شود و به خشوع دلالت کنید تا سبب وصول اِلَیَّ اللهُ گردد و خلق را به هدایت کبری دعوت کنید تا اَعْلَتْ تَقَرُّبِ اِلَیَّ اللهُ شود . فتورخواهید و قصور مجوئید بلکه آنما "فانا" برانجذاب و اشتعال بیفزائید ."

مآئده آسمانی ج ۹ ص ۱۲۶

* * * * *

کلمات مکنونه ای بندگان من

شما اشجارِ رضوان منید باید به اثمارِ بدیعهِ منیعهِ ظاهر شوید تا خود و دیگران از شما منتفع شوند . لذا برکل لازم که به صنایع و اکتساب مشغول گردند اینست اسبابِ فنا یا اولی - **اَلْاَلْبَابِ وَاِنَّ اَلْاُمُورَ مَعْلَقَةٌ بِاَسْبَابِهَا وَفَضْلُ اَللّٰهِ يُفْنِیْكُمْ بِهَا و** اشجارِ بی ثمار لایق نار بوده و خواهد بود ."

اشمار، ثمار : میوهها - مفرد آن : ثمر

منیعهِ : بلند مرتبه

یا اولی الالباب : ای صاحبان عقل و خرد

"اِنَّ اَلْاُمُورَ مَعْلَقَةٌ بِاَسْبَابِهَا . . ." : بد رستیکه امور معلق است به اسباب آن و فضل خداوند شما را بواسطه آن وسایل بی نیاز میگرداند .

حضرت بهاء الله میفرماید : از انسان باید ثمری پدید آید .

انسان بی ثمر بفرموده حضرت روح، بمثابه شجر بی ثمر است و شجر

- شروع قیادت بیت عدل اعظم از رضوان ۱۲۰ بدیع
- اختتام جهاد کبیر اکبر روحانی و انتصارات حاصله طی آن نقشه عظیمه
با آنکه جامعه بهائی در نیمه راه نقشه، قائد محبوب و طراح
توانای جهاد اکبر روحانی را از دست داد، ولی به یمن برکات
معنوی آن وجود اقدس، به انتصارات عظیمه‌ای در طی آن ده سال
نایل آمد که اهم آنها را میتوان به شرح ذیل برشمرد:
- ۱- تطهیر حرم اقدس از لوث وجود ناقضین در سال ۱۹۵۷ میلادی
 - ۲- تکمیل ساختمان مقام اعلی
 - ۳- تکمیل ساختمان دارالآثار بین المللی ۱۹۵۷
 - ۴- تأسیس اولین خانه سالمندان وابسته به مشرق
الاذکار آمریکا ۱۹۵۹
 - ۵- احداث مشرق الاذکار بهائی در قاره آفریقا (کامپالا) ۱۹۶۱
 - ۶- احداث مشرق الاذکار بهائی در قاره استرالیا (سیدنی)
۱۹۶۱ میلادی
 - ۷- تکمیل قسمت اصلی ساختمان ام‌المعابد قاره اروپا (فرانکفورت)
۱۹۶۲* میلادی
 - ۸- انتخاب شورای بین المللی بهائی ۱۹۶۱ میلادی
 - ۹- ترجمه آثار امری به ۲۲۰ زبان تازه

(*) افتتاح مشرق الاذکار فرانکفورت (آلمان غربی) در جولای ۱۹۶۴
بوده است.

مجموعه اشراقات ص ۱۱۶ (کلمات فرد و سیه)

درباره کیفیت مشاغل، آنچه مورد تأکید الهی واقع شده
مشاغل نافع است که هم شامل نفع خود و هم نفع غیر باشد. چه
بسا مشاغل که بیکاری بر آن مرجح است زیرا مبنای کار در آن -
موارد صرفاً مصالح شخصی است ولو به زیان دیگران بوده باشد
بهر حال فرد بهائی باید قطعاً از اشتغال به مشاغلی که
تماس با منہیات و محرمات دارد، اجتناب ورزد.

نکته مهم دیگر موضوع تخصص و کمال طلبی در شغل است که
یاران الهی به هر صنعت و حرفه‌ای مشغولند، در اكمال مهارت
خویش و بهبود آن کار، کوشش نمایند. حضرت عبدالبهاء میفرماید
"در صنایع و بدایع استاد ماهران گردند و در زراعت و تجارت
فائق بر همگنان".

لذا در هر شغلی لازم است از سهل انگاری و رکود و تأخیر
و اتلاف وقت جداً خودداری شود و در عوض در باره روی و سود مندی
آن صنعت و در توسعه خدمات همگانی کوشش شود تا بسادگی
ثابت گردد که انسان میتواند در هر مقام و در هر شغل مجاز،
برای خانواده و جامعه خود ثمر بخش و مفید باشد.

اقتباس از کتاب حیوة بهائی ص ۱۹۷

۱- فتح اقالیم جدیده ۱۳۱ اقلیم

۱۱- افزایش تعداد محافل ملیّه از ۱۲ به ۵۶

۱۲- برگزاری جشن صدمین سال اظهار امر حضرت بهاءالله

در رکنگه جهانی بهائی توسط حضرات ایادی امرالله (در

آلبرت هال لندن) ۱۹۶۳ میلادی

ابلاغ موعده انتخاب اعضاء بیت العدل

هیأت مجلّه ایادی امرالله که با مشورت و تأملی خاص، زمان واقعه عظیم تأسیس بیت عدل اعظم الهی را پایان جهاد کبیر اکبر روحانی تعیین نموده بودند، حدود پنج ماه قبل از اختتام نقشه مزبور، موعده دقیق انتخاب اعضاء را به اطلاع جامعه جهانی رسانیدند تا منتخبین این عصبه جلیله یعنی اعضاء محافل روحانیّه ملیّه نیز فرصت کافی برای تفکر و تصمیم در باره این انتخاب تاریخی و بیسابقه را داشته باشند.

تلگراف ۳۱ اکتبر ۱۹۶۲ که ترجمه قسمتهائی از آن ذیلا نقل میگردد حاکی از این معنی است:

"... اکنون همزمان با خاتمه جهاد کبیر اکبر حضرت ولی محبوب امرالله، واقعه دیگری که دارای اهمیت خاص تاریخی است، یعنی انتخاب بیت العدل اعظم عمومی بمرحله تحقق میرسد. در یوم اول عید اعظم رضوان در ظل مقام مقدّس اعلی، انتخاب آن هیئت مجلّه ای که بفرموده حضرت ولی عزیز امرالله آیندگان آنرا

آخرین ملجاء تعدّن متزلزل کنونی خواهند انگاشت، بعمل خواهد آمد.

... چنین هیأت عالیّه که بفرموده حضرت ولی امرالله آخرین مرحله واکلیل جلیل نظم جنینی جهان آرای حضرت بهاءالله است در رضوان آتیه انتخاب خواهد شد. ... ما حال در آستانه واقعه و مرحله ای قرار گرفته ایم که ... بفرموده مبارک، انوار امرالهی در طی جهادهای متعدّده عهد آتیه عصر تکوین و عصر ذهبی، در کلیه اقالیم باقیّه جهان منتشر خواهد شد و اساس نظم اداری حضرت بهاءالله با کملیها، در جمیع اقطار در شرق و غرب استوار خواهد گردید. ..."

مؤسسه ایادی امرالله ص ۳۳۹، ۳۴۲، ۳۴۷

آغاز عهد سوم عصر تکوین (۱)

تأسیس بیت عدل اعظم (در ورفه اول) ۱۲۰ بدیع (۱۹۶۳)

پس از اتمام نقشه منبیه دهساله حضرت ولی امرالله یعنی همزمان با انعقاد جشن منوی اظهار امرعلنی حضرت بهاءالله در لندن بنابعد عوت هیئت مجلّه حضرات ایادی امرالله علیهم بهاءالله تعداد کثیری از اعضاء محترم ۵۶ محفل مقدّس روحانی ملی موجود، در عید رضوان ۱۹۶۳ مطابق رضوان ۱۲۰ بدیع در

(۱) در ۲۸ آپریل ۱۹۶۸ اعلام گردید که عهد سوم عصر تکوین با

تأسیس اولین بیت عدل آغاز گردیده است.

ارض اقدس در جوار مقام اعلی و مَرَاقِدِ شَرِيفُهُ ثَلَاثَةً رُبَّيْتِ مَبَارَكِ
 حضرت عبد البهاء) اجتماع کرده، در شروع کار کانونشن بین المللی،
 از بین رجال جامعه جهانی بهائی مطابق قاعده انتخابات
 بهائی نُه نفر را بمقام شامخ عضویت بیت العدل اعظم انتخاب
 نمودند. (۱)

سپس هیئت مجلله ایادی امرالله علیهم بهاء الله، این مژده
 جانبخش را طی تلگراف ۲۳ آپریل ۱۹۶۳ به عالم بهائی مخابره
 فرمودند: (ترجمه)

"در این حین که احتفالات عظیم جهانی بمناسبت جشن
 اعظم مؤوی ارتقا هیکل اطهر حضرت بهاء الله بر سریر سلطنت
 الهیه برگزار میشود، باقلوبی طایف از شکر و سپاس بجهت صون و
 حمایت مستمر و مواهب موفوره الهیه بانهایت سرور، انتخاب
 اعظم هیئت تقنینیه عالم امر را که منصوص کتاب اقدس و بنص مبارک،
 مشمول هدایت مصون از خطای حضرتش میباشد باطلاع یاران
 شرق و غرب میرساند.

... اهل بهاء که در سراسر عالم بمناسبت اختتام مظفرانسه
 نقشه جهاد بی همتای حضرت ولی محبوب خرق در سرور و شادمانی
 هستند، اکنون نیز باکمال خضوع، مراتب امتنان و تشکر قلبی خود را

(۱) کسانی که قادر به حضور در آن کانونشن بین المللی نبودند رأی
 کتبی خود را با پست ارسال داشتند.

بجهت تأسیس بیت العدل اعظم الهی تقدیم میدارند. . . ایادی
 امرالله"

ارکان نظم بدیع ص ۲۶۹

اعلام شروع کار و محل استقرار

از پیام بیت العدل اعظم خطاب به انجمن های شور روحانی
 ملی در سراسر عالم بهائی: یاران بسیار عزیز. . . وقایع عظیمه ای که
 طی دوازده روز ایام رضوان و بلافاصله بعد از آن حادث شده،
 شاهد عظمت امر الهی بوده و قلوب هر یک از یاران راطایف از
 سرور و شکرانه نموده است. در امتثال فرمان حضرت رَبِّ الْجَنُودِ،
 نمایندگان مُنْتَخَبِ پَنجاه و شش محفل ملی و ناحیه ای در سراسر
 عالم بهائی، در ظل کوه مقدس خده در بیت مبارک حضرت مؤلی -
 آلوری برای انتخاب بیت العدل اعظم مجتمع گردیدند.
 بیت العدل اعظم ضمن انعقاد جلسات متعددی در ارض اقدس
 و لندن کار خود را شروع نموده و ترتیبات لازم را برای استقرار
 مؤسسه بیت العدل در حیفا داده است. بیت العدل اعظم دارای
 هیأت عامه نبوده و بنا بر این کلیه مکاتبات آن مهور به مهر بیت
 العدل اعظم با حروف برجسته خواهد بود."

هفتم می ۱۹۶۳ لندن (ارکان نظم بدیع ص ۲۷۱)

حکمت تأسیس بیت العدل عمومی در رضوان ۱۹۶۳

هرچند علت ایجاد مؤسسه بیت العدل را از لحاظ کلی در
 مبادی اداری قبلاً مورد مطالعه قرار داده و به معصومیت مهور

بیت عدل عمومی در مرجعیت کل امور و در ضد و هرگونه قوانین و احکام غیر منصوصه، بنا بر مقتضای زمان واقف گشته ایم و در مبانی اعتقادی، به لزوم و اهمیت تداوم هدايات آن پی برده ایم، در عین حال از جهت وقایع تاریخی نیز لازم است از فلسفه تأسیس معهد اعلی در یکصد و بیست و نهمین بهار آئین الهی اطلاع یابیم.

از نفس آن مؤسسه نخیه در بیان این مسأله تبییناتی صریحه موجود است که حداقل سه دلیل را خاطر نشان میسازد و اینک به نحو اختصار به نقل قسمتی از آنها میگردد :

"... یاران باید به این نکته توجه فرمایند که قبل از انتخاب بیت العدل اعظم معلوم نبود که ولی امرالله وجود نخواهد داشت و با اینکه افراد احباً عقاید مختلفی در این خصوص اظهار میداشتند ولی هیچکس نمیتوانست علم قبلی و قطعی در این خصوص داشته باشد. نه ایادی امرالله و نه شورای بین المللی بهائی و نه هیچ هیأت موجود دیگر نمیتوانست در این مسأله بسیار مهم، تصمیمی اتخاذ نماید. تنها بیت العدل بود که میتواند در باره آن حکم قطعی صادر کند و این یکی از دلائلی بود که ایجاب میکرد انتخاب بیت العدل بفوریت و هرچه زودتر صورت گیرد... حضرت ولی امرالله بجهان بهائی نقشه های صریح و مشروح عنایت فرمودند که فقط تا رضوان ۱۹۶۳ یعنی خاتمه جهاد دهساله امتداد داشت و از آن تاریخ به بعد برای جلوگیری از اینکه خطری متوجه

امر شود، استمرار هدايت ملکوتی ضرورت داشت و این دو مین -

دلیل فوریت دعوت برای انتخاب بیت العدل اعظم بود. اشارات حضرت شوقی ربّانی در توقیعات منیعه در باره اینکس متعاقب جهاد روحانی دهساله، نقشه های دیگری تحت هدايت بیت العدل اعظم اجرا خواهد شد، دلیل دیگری است که مناسب بودن زمان انتخاب بیت العدل را تأیید مینماید.

یکی از اشارات عبارت ذیل است: "انجام موفقیت آمیز این نقشه... در مستقبل ایام در عصر تکوین امرالله، مشروعاتی بدنیال خواهد داشت... که بخودی خود در عهد آینده همان عصر، مقدمه طرح و اجرای نقشه های جهانی وسیعتری است که مقدّر است از طرف بیت العدل اعظم طرح گردد تا وحدت جامعه را نمودار ساخته مجهودات محافل ملّیه را هماهنگ و متحد نماید" (ترجمه) ارکان نظم بدیج ص ۲۷۶ تا ۲۷۸

قیام بر اجرای وظایف مّصرحه

توضیح مسأله وصایت حضرت شوقی افندی :

پس از صعود حضرت شوقی افندی ولی محبوب امرالله، یکی از دو رکن رکن نظم اداری یعنی مقام ولایت، بلا تصدی باقی مانده و نقطه ابهامی ایجاد کرده بود.

از آنجائی که طبق وصایای مرکز میثاق "مسائل مبهمه" و همچنین "کل امور" به بیت عدل عمومی راجع میشد، لازم آمد که

قبل از هر چیز تکلیف این مورد مبهم برای همه روشن گردد .
این بود که معهد اعلی پس از پنج ماه تحقیق و تعمق در آثار
و نصوص الهیه بالآخره در ۶ اکتبر ۱۹۶۳ نتیجه حاصله را به
محافل روحانیه ملیه وکل جامعه بهائی ابلاغ فرمودند :

" ۶ اکتبر ۱۹۶۳ محافل روحانیه ملیه در شرق و غرب عالم
بهائی شَیْدَ اللّٰه اَرْكَانَهُمْ ، یاران محبوب این هیئت متن قرارذیل
را باطلاع آن اماناء امر رحمان میرسانند .

بیت العدل اعظم متوجّهاً "میتها" بعد از غور و تمعن دقیق
در نصوص مقدسه مبارکه راجع به تعیین وصی حضرت شوقی افندی
ربّانی ولی امرالله و بعد از مشاورات مفصل و همچنین ملاحظه آراء
حضرات ایادی امرالله مقیم ارض اقدس باین نتیجه رسید که طریق*
تعیین ولیّ ثانی امر بهائی وصی حضرت شوقی افندی ربّانی
بکلی مسدود و امکان تشریح قوانینی که تعیین من هُوَ بَعْدَهُ را -
میسر سازد بِالْمَرَّةِ مَفْقُود است این قرار را جمیع یاران ابلاغ
نمائید . بیت العدل اعظم " ص ۸۲ ارکان نظم بدیع

لذا عملاً بنا به تدبیر و اراده الهیه پس از انجام انتخابات
تاریخی رضوان ۱۲۰ بدیع جامعه بهائی تحت قیادت حکیمانه
بیت عدل اعظم الهی قرار گرفت . و چنانکه در آثار حضرت ولی امرالله

* قبلاً نیز قسمتی از این قرار بیت عدل اعظم در جزوه ۳۸ بمناسبت
مطلب درج گردید .

مشخص گردیده بیت عدل عمومی مجمعی است که بدو حضور
جسمانی مقام ریاست (*) آن (یعنی ولی امر) نیز ، معصومیت و
مصونیتش از هرگونه اشتباه ، مُحَرَّرٌ ، و مُلْهَمٌ بود نش به الهامات الهیه ،
مَحْتَمٌ و مَنصُوصٌ است ، این نکته در توضیحات معهد اعلی اینچنین
آمده است : " . . . معصومیت بیت العدل اعظم در حد و معینهُ
خودش مَعْلُوقٌ به حضور ولی امرالله بعنوان عضو (*) آن هیئت
نیست . هر چند در مقام تبیین ، اظهارات و بیانات ولی امرالله
لازمٌ اِلَّا جَرًا است و لکن در مقام مشارکت ولی امرالله در وضع
قوانین ، همواره تصمیم مُتَخَذَهُ از طرف هیئت بیت العدل مناط
اعتبار است و این مطلب مُتَکَلِّفٌ به بیانات حضرت ولی امرالله است
. . . " ارکان نظم بدیع ص ۲۹۲ - مجموعه دستخط ها ص ۳۰۳
و بساین ترتیب تصمیم گیری نهائی در باره کلیه امور مرجوعه ،
بعهدء معهد اعلی قرار گرفت . چنانکه در اساسنامه آن معهد
مندرج است :

" چون بعد از حضرت شوقی افندی جانشینی در مقام ولایت
(*) اشاره بمندرجات الواح وصایای حضرت عبدالبهاء و کتاب " دور
بهائی " از آثار حضرت ولی امرالله است که در صفحه ۸ کتاب اخیر
میدرمایند (ترجمه) : " . . . هر چند ولی امر رئیس لا یَنْعَزِلُ این
مجلس نخیم است مع هذا نمیتواند بِنَفْسِهِ حتّی بطور موقت واضع
قوانین و احکام گردد و بیاتصمیمات اکثریت اعضای مجلس را الغناء
نماید . . . ولی امر مُتَبَیِّنٌ نصوص است و جزیه سَمْتِ عضوبیت عدل
اعظم ، وضع قانون نتواند . . . "

امرالله موجود نه، ریاست امرالله با بیت العدل اعظم است که معهد اعلی و مرجع اهل بها و بآلَمَالِ مسوؤل حفظ وحدت و تعمیم ترقی و تقدّم امرالهی است و لا جرم اداره امور و تمشیت خدمات ایادی امرالله و تأمین استمرار مسوؤلیت مخصوصه شان در سبیل صیانت و ترویج امرالله و اتخاذ ترتیب وصول و صرف حقوق الله، باین مجمع راجع." ص ۳۱۹ ارکان نظم بدیع

نقش حساس حضرات ایادی پس از صعود هیکل

مبارک و تقدیر از مجهودات تاریخی ایشان

یکی از مؤسسات نظم اداری بهائی مؤسسه انتصابی ایادی امرالله است که در جزوات قبل با تاریخچه تأسیس واهم وظائف آن آشنا گشتیم. بیت العدل اعظم بلافاصله پس از تشکیل بتأیید اقدامات مجدّانه حضرات ایادی در طی شش سال تصدی امور و حراست جامعه، مبادرت فرمودند: از جمله در یکی از دستخطها میفرمایند:

"پس از صعود حضرت شوقی ربّانی اداره امور بین المللی امر بهائی توسط ایادی امرالله با موافقت کامل و اطاعت محافل روحانیّه و جامعه بهائیان بعمل آمد و این موضوع از آن جهت بود که حضرت ولی امرالله با انتصاب ایادی امرالله آنان را بعنوان "حارسان سلطنت جهانی جنینی امر حضرت بهاء الله" نامیدند. ایادی امرالله از همان ابتدا که حراست امرالله بآنها سپرده

شد دریافتند که چون هدایت الهیه آنچنانکه برای ولی امرالله و بیت العدل اعظم مسلم و ثابت است، در مورد آنها صدق نمیکنند. پس سالم ترین راه برای آنها آنست که باکمال دقت و مواظبت از دستورات و خط مشی حضرت شوقی ربّانی پیروی نمایند.

در سراسر تاریخ ادیان دیده نمیشود که زعمای یک دینانست غفله خود را محروم از راهنمایی الهام بخش و ملکوتی خود بیابند و باین درجه نظم و انضباط و تا این پایه صداقت و وفاداری مطلق و اینقدر از خود گذشتگی کامل ابراز دارند. درجه تقدیر و سیاستگزاری که نوع بشر در خلال نسلهای آینده بلکه قرون آینده باین مشتی نفوس مصیبت دیده و ثابت قدم و شجاع مدیون است، بیش از اندازه تصور و قدردانی است.

ارکان نظم بدیع ص ۲۷۷ - مجموعه دستخطها ص ۱۵۹

و همچنین در پیام مورخ ۷ می ۱۹۶۳ میفرمایند:

"بیت العدل اکنون مراتب سیاس خود را که در رکنه جهانی به حضرات ایادی امرالله تقدیم نموده، یعنی نفوس نفسهای که امرالله را صحیحاً "سالما" بنام حضرت ولی محبوب امرالله بمرحله ظفر و پیروزی رسانده اند تأیید مینماید..."

ص ۱۷ مؤسسه ایادی امرالله

طرح نقشه های جهانی

پس از آنکه بیت العدل اعظم با قوت هرچه تمامتر اداره جامعه

جهانی و هدایت آنرا در رساحت جمال مبارک تعهد نمود، هرچه سریعتر با اجرای وظائف معینه و متنوع‌فخویش مخصوصاً در زمینه انتشار و اعتلاء امرالله برداخته، بنا بر اشارات حضرت ولی امرالله (که ذکر آن گذشت) به طرح نقشه‌های متوالیه مبادرت فرمود که اولین آنها نقشه منیعۀ نه‌ساله (۱۹۷۳ - ۱۹۶۴) میباشد.

معهد اعلیٰ در پیام رضوان ۱۹۷۳ که پس از خاتمه نقشه صادر فرمودند، اتمام مظفرانه آنرا چنین اعلام مینمایند: (ترجمه)
"خطاب بعموم احبباً در سراسر عالم

با قلوبی طامح از سرور و امتنان، اتمام نقشه جهانیه نه‌ساله را که منتج به انتصارات عظیمه مهینه گردید اعلام میداریم. سپاه نور در دو مین جهاد جهانی پیش پیروز گشت. د و مقصد اصلی این جهاد که یکی اتساع دائره امرالله و دیگری مشارکت عمومی در اجرای آن بود، در نهایت اعجاب و اتقان تأمین گردید و حتی از اهداف معینه فزونی یافت. کل بکمال محبت و وفا شاهد و گواهم کسه تأییدات جمال اقدس ابهی متتابعاً بر خادمان امرش نازل و هر یکرا در بذل مساعی و فداکاری و انقطاع و تضرع و ابتهال مسهیم و به اجری جزیل متخّر و متباهی ساخته است.

در این جشن مئوی نزول کتاب مستطاب اقدس، جامعه اسم اعظم انتصارات حاصله را به اقدام مبارکش نثار مینماید و ادعان دارد که این فتوحات در اثر شمول عنایات حضرتش حاصل گردیده است.

امراهی در پایان نقشه نه‌ساله توسعه عظیم یافته و ارکانش - مستحکم گردیده مناسبات بین المللیش نسبت به سال ۱۹۶۴ یعنی آغاز نقشه تشدید و تحکیم بیشتری حاصل کرده. نود و پنج اقلیم جدید در ظل امرالله درآمده، شصت و نه محفل ملی که عهده دار مساعی جامعه جهانی بود به یکصد و سیزده یعنی پنج محفل بیش از سهمیه نقشه بالغ گردیده. این "بیوت عدل خصوصی" که حال در مرحله جنینی است بر پایه متجاوز از هفده هزار محفل روحانی محلی مستقر گردیده که فی الحقیقه سه هزار محفل زیاد تر از اهداف معینه و دوازده هزار محفل بیش از هنگام شروع نقشه است. بهائیان در شصت و نه هزار و پانصد نقطه جهان سکونت دارند که پنج‌جاه و چهار هزار نقطه بیشتر از تعداد مراکز در سال ۱۹۶۴ و پانزده هزار نقطه بیش از اهداف نقشه است. آثار امری به دو بیست و بیست و پنج زبان دیگر ترجمه گردیده و مجموع آینه‌های که آثار بهائیه بد آنها ترجمه شده به پانصد و هفتاد و یک بالغ گردیده است. . .
ص ۳۰۳ مجموعه دستخطهاج ۱

به همین منوال تمام نتایج حاصله طی این نقشه در همین پیام جانفزا درج میباشد که به بعضی از آنها ذیلاً اشاره میگردد:
- افتتاح ام‌المعابد آمریکای لاتین در ریانا ما ۱۹۷۲ میلادی
- تسجیل رسمی محافل: ۹۰ محفل ملی و ۱۵۵۶ محفل محلی
- برسمیت شناخته شدن تعطیلات امری در ۶۴ کشور

- برسمیت شناخته شدن قباله ازدواج در ۴ کشور .
- قیام سپاهی از مهاجرین بین المللی ۳۵۵۴ نفر
- تلخیص وتدوین احکام* و اوامر کتاب اقدس وطبع و نشر آن و برگزاری جشن مئوی نزول آن در رضوان ۱۹۷۳
- تدوین وطبع ونشر اساسنامه بیتالعدل اعظم ۲۶ نوامبر ۱۹۷۲
- اتساع حدائق بهجی وکوه کرمل
- اعلان جهانی امرالهی در اکتبر ۱۹۶۷ هنگام انعقاد جشنهای مئوی اعلان امرعلنی جمالقدم جل ذکره الاعظم به ملوک و امرائی که مقارن نزول سوره الملوک در ادینه مخاطب کلک اطهر واقع شدند، بوسیله انعقاد شش کنفرانس بین القارات در تجلیل این واقعه تاریخی، واهداء مجلد مخصوصی از ترجمه انگلیسی الواح مقدسه ملوک از جانب بیتالعدل اعظم به یکصد وچهل وودتن از سران ممالک و انعقاد نه کنفرانس دیگر در طول بقیه نقشه در قارات خمه (قریب هفده هزار نفر از احباب در این کنفرانس های پانزده گانه شرکت کردند)
- پیشرفت مناسبات جامعه با سازمان ملل متحد با قبول وتصویب عضویت جامعه جهانی بهائی بعنوان سازمان غیردولتی وداشتن مقام مشورتی در شورای اقتصادی واجتماعی سازمان مزبور.

* که حضرت ولی امرالله این کار را شروع فرموده بودند .

- تأمین استمرار وظائف مؤسسه ایادی امرالله را آینده بسا انتصاب هیئت مشاورین قاره ای .
- تأسیس صندوق بین المللی توکیل در مرکز جهانی تابلغین سیارومهاجرینی که آماده خدمتند وازعهده مخارج خود برنمایند مساعدت شود .
- بریادداشتن ستون سنگی مشخص کننده محل مشرق الاذکار آینده ارض اقدس روی کوه کرمل .
- تجلیل مراسم یکصدمین سال ورود جمالقدم به قلعه محصنه عکا در اگوست ۱۹۶۸ .
- ابتیاع قصر مزرعه که محل اقامت جمالبارک پس از نه سال مسجونیت در قلعه عکا بوده است .
- ازدیاد معتنایه منابع مالی امرالله .
- گسترش مشروعات واقداماتی که با مساعی مشترک بین محافل ملیه موجود به اجرا گذاشته میشود .
- سبقت یافتن جوانان در اقدامات تبلیغی . معهد اعلمی فعالیت طبقه جوان را اینچنین مورد تقدیر قرار میدهند :
- ”در رتبه اولی نهضت امید بخش جوانان بهائی وجه اقدامات تبلیغی را دگرگون ساخته و دستجات جوانان بهائی بکمال شور و شوق، موانع نفوذ ناپذیر را درهم شکسته ویا مرتفع ساخته اند و با تضرع وابتهاال و خلوص وانقطاع پیام الهی را به انحاء و طرقی که

مورد قبول نسل جوان است ابلاغ نموده‌اند و این رویداد رهیکل اجتماع نفوذ و سرکشان یافته‌است این موفقیت، مورث اهتزاز و ابتهاج عموم یاران در عالم بهائی شده‌است. جوانان بهائی ضمن ترک و طرد ارزشها و موازین دنیای قدیم شائق و مشتاقند موازینی را که حضرت بهاء‌الله وضع فرموده‌اند تحصیل نمایند و خود را با موازین مذکور منطبق سازند و به این طریق خلای راکه از ترک نظام کهنه و فرسوده حاصل میشود با ارائه نظم بدیع ملکوتی مرتفع سازند".

ص ۳۱۳ مجموعه دستخط ها ج ۲

— خدمات و فداکاری‌های حضرات ایادی در طول نقشه‌آنچنان بوده که مکرر مورد سپاسگزاری بیت عدل اعظم قرار گرفته‌است. مُنتخبات زیر نمونه‌ای از آنهاست.

"... از توصیف این سال جلیل و خطیر نمیتوان گذشت مگر اینکه خدمات خستگی‌ناپذیر و فداکارانه حضرات ایادی محبوب، علمداران نقشه‌نهم‌ساله و پشتیبانی با کفایت و بهر قیمت هیئت‌های معاونین ایادی مذکور گردد.

مأموریت‌های مخصوصی که از طرف بیت‌العدل اعظم انجام دادند سفرهای تبلیغی که بعهده گرفتند کنفرانس‌هایی که تشکیل دادند فعالیت مداوم آنها در مرکز جهانی و بالاتر از همه مساعی پایان‌ناپذیر آنان در تشویق و ترغیب یاران و حراست و مراقبتِ حُسن جریان امور امرالله، باعث شده که مجهودات جامعه بهائی بطور

کلی ممتاز و تحت قیادت مؤثر قرار گرفته‌است. . . ."

ص ۲۷۴ دستخط‌های بیت العدل اعظم

"علمداران این نقشه نهم‌ساله حضرات ایادی امرالله همان برگزیدگان جمال کبریا و نفوس مجربّه منصوره‌اند که پرچم جهاد روحانی گذشته را در دست داشته و در تنظیم این نقشه نیز از نظرات صائبه‌شان استفاده کرده‌است حضرات ایادی امرالله با معاضدت اعضاء هیئت معاونت که بفرموده مبارک و کلاً و معاضدین و مشاورین آن عُصبه جلیله‌اند البته لشکر حیات راهمچنان تشجیع و حراست کنند و در فرصت مناسب با استفاده از جمیع منابع و امکانات موجوده به هجوم و خروج مظفرانه در قلب عالم برانگیزند و آن جنود مجتهد را در معارک و مهالک، نصرت و هدایت فرمایند"

ص ۷۶ مجموعه دستخط ها ج ۱

و همچنین در پیام منبع تلگرافی مورخ رضوان ۱۹۷۰ میفرمایند (ترجمه)

خدمات مَشْعُوع حضرات ایادی امرالله و اسفار تبلیغی درخشانی آنان در سراسر جهان که موجب تشویق و هدایت محافل روحانیه و احببای الهی در جمیع قارات گردیده‌است ما را بر آن میدارد که مراتب تکریم و تقدیر مشتاقانه خود را نسبت بآن ذوات جلیله ابراز داریم. . . ."

ص ۱۸ مؤسسه ایادی امرالله

همچنین تألیفات برجسته حضرات ایادی که موجب افزایش آثار

امری گشته از نظر تقدیر آمیز معهد اعلی در این پیام در نمانده است.

منابع استفاده: مجموعه دستخط حاج ۱۰۳ مؤسسه ایادی امرالله و ارکان نظم بدیع *

اصول اعتقادات عالم خلق

پس از آشنائی با مهمترین مطالب عوالم حق و امر، اینک رؤوس مطالب عالم خلق را مطالعه می‌کنیم:

جنس و نوع خلق: آنچه را که بعنوان مخلوقات، کائنات یا موجودات عینی مشاهده می‌کنیم یا از وجودشان با وسائل علمی اطلاع می‌یابیم، از سه جنس خارج نیست جماد، نبات، حیوان و هر یک دارای انواعی میباشد. قوله الجلی: "چون در کائنات به بصر بصیرت نظر کنیم ملاحظه شود که محصور در سه قسم است. یعنی گلیاتش یا جماد است یا نبات است یا حیوان. سه جنس است و هر جنسی انواع دارد. انسان نوع ممتاز است زیرا دارندهٔ کمالات جمیع اجناس است. . . ."

مفاوضات ص ۱۷۷

ازلیت و ابدیت خلق: دربارهٔ زمان آغاز خلقت، فرد بهائوسی معتقد است که جهان هستی یا عالم کون از حیث زمان بی‌آغاز و بی‌پایان است "تا خدا بوده است، بوده عباد" بنابراین نتوان گفت که مدتی را خالق بدون خلقت گذرانید و خلقی نداشت سپس تغییر حالت داد و خلقت را آغاز کرد چون از قبل دانستیم که هیچگونه تغییری در ذات الوهیت پیش نمی‌آید (و یا تغییر و تبدیل

از خصوصیات خلق است نه حق). لذا محبت خالق نسبت به خلق کائنات که در حدیث قدسی مشهور، مذکور آمده محبتی ازلی و سرمدی است. تغییر و حدوث شامل آن نمیشود. (۱) حضرت بهاء الله میفرمایند: قوله الابهی "بدان که لم یزل خلق بوده و لا یزال خواهد بود لا لاوله بدایه ولا لاخیره نهائیه اسم الخالق ینفسه یطلب المخلوق و كذلك اسم الرب یقتضی المرئوب"

ص ۷۲ اقتدارات

لذا زمانی برای آغاز خلقت تصور نمیشود و وقتی برای پایان آن انتظار نمی‌رود حضرت عبدالبهاء نیز میفرمایند: قوله الکریم: "چون ذات احدیت یعنی وجود الهی، ازلی است، سرمدی است یعنی لا اول له ولا آخر له است، البته عالم وجود یعنی این کون نامتناهی را نیز بدایت نبوده و نیست. . . ."

مفاوضات ص ۱۳۷

پیدايش تدريجی کائنات - کمال خلقت: بنا بر فرمایش مبارک حضرت عبدالبهاء کائنات بتدریج در کرهٔ ارض پیدا شدند اول جماد، بعد نبات، بعد حیوان و بعد انسان پیدا شد. ضمناً "براین مطلب اساسی که مقصد از خلقت، وجود و کمال انسان میباشد تأکید فرموده‌اند قوله العزیز: "انسان مراتب تا مهٔ مقابل شمس حقیقت است. . . اگر انسان نباشد عالم وجود نتیجه ندارد چه که مقصد از وجود، ظهور کمالات الهیه است لهذا نمیشود که (۱) اقتباس از تقریرات دکتر داودی ص ۳ مطالبی در مبادی عقاید

بگوئیم که وقتی بوده که انسان نبوده... مفاوضات ص ۱۵۰
 ولی در حقیقت مغایرتی بین این دو کلام وجود ندارد هیکل
 مبارک در ادامه بیان میفرمایند: "لهذا نمیشود که بگوئیم که
 وقتی بوده که انسان نبوده. منتهی اینست که این کره ارضیه
 نبوده ولی این مظهریت کامله از اول لاول، الی آخر لآخر بوده
 و این انسان که گوئیم مقصد هر انسان نیست مقصد انسان کامل
 است زیرا اشرف عضوی در شجره، ثمره است و مقصد اصلی اوست.
 اگر شجر ثمرنداشته باشد مُهْمَل است." مفاوضات ص ۱۵۰
 بنابراین آن خلق لا اول و لا آخر که لازمه ذاتی خالق بشمار
 میرود، آن حقیقت واحدۀ انسان کامل یا مشیت اولیۀ ویا همان
 عالم امر است و بنابراین اصل میگوئیم که خلق از حق بواسطه^(۱)
 امر صاد رشد است.

(زیرا چنانکه گفتیم ذات حق از هرگونه نسبت و ارتباط مستقیم
 با خلق مقدّس و منزّه است و هر ارتباطی از طریق عالم امر صورت
 میگیرد)

در ضمن باید بدانیم که پیدایش و ظهور هر یک از کائنات و رسیدن
 به مراحل بلوغ و جمال و کمال مطابق اصل اساسی بتدریج، به مرور زمان

(۱) در ظهور حضرت محمد (ص) نیز باین معنی تصریح گردیده :
 "لَوْلَا كَلِمَا خَلَقْتُ الْاَلْاَلَاكُ" (حدیث مذکور در آثار مبارکه از جمله
 ایقان ص ۷۷) - همچنین آیه شریفه ۸۲ سوره یس: "اِنَّمَا اَمْرُهُ
 اِذَا اَرَادَ شَيْئًا اَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ".

انجام شده و میشود. کما اینکه بمحض تشکیل نطفه در رحم مادر،
 آن موجود، یک انسان^(۱) تلقی میگردد. با اینکه هنوز اندامهای
 او درست نشده، هنوز متولد نشده، هنوز دندان در نیاورده،
 مراحل رشد و نمو خود را انجام نداده، هنوز زبانش به تکلم باز
 نشده، قوه مد رکه و حافظه اش بکار نیفتاده است اما چون در همان
 مقام نطفه همه اینها مستتر است و بتدریج از عالم نهان به عالم
 آشکار خواهد آمد و با اصطلاح از قوه به فعل خواهد رسید، آن
 نطفه یک انسان خلق شده بحساب میآید. بقوله الشریف:

"نشو و نماي جميع کائنات بتدریج است این قانون کلی الهی
 و نظم طبیعی است. دانه بفته شجره نمیشود، نطفه دفعۀ واحدۀ
 انسان نمیشود جماد دفعۀ واحدۀ حَجَر نمیشود. بلکه بتدریج
 نشو و نما میکنند و به حد کمال میرسند. جميع کائنات چهار کلیات و
 چه از جزئیات، از اول تمام و کامل خلق شده است منتها اینست
 که بتدریج این کمالات در او ظاهر میشود و قانون الهی یکیست.
 . . . همین قسم کره ارض از اول با جمیع عناصر و مواد و معادن
 و اجزاء و ترکیب خلق شده اما بتدریج هر یک از اینها ظاهر گشت.
 اول جماد و بعد نبات و بعد حیوان و بعد انسان ظاهر شد. اما
 از اول این اجناس و انواع در کمون کره ارض موجود بوده است و

(۱) و درست بهمین لحاظ است که سقط جنین در امر بهائی طبق تصریح

معهد اعلی ممنوع است. (۲۵ ژانویه ۱۹۷۲)

بعد بتدریج ظاهر شد . . . " مفاوضات ص ۱۵۱ و ۱۵۲

مقام انسان : مخلوقات هر یک بغیر از حال و به نسبت استعداد خود پرتو خورشید را پذیرفته و نشان میدهند . در سلسله مراتب وجود آنکه در رتبه بالاتری از کمال قرار دارد، وجود انسانی است که از لحاظ جسمانی (خون و گوشت و پوست و استخوان . . .) همان حیوان است که خود ناشی از موجودات نباتی و جمادی است و علاوه بر آن خصوصیات دارای جنبه خاص انسانی است که موجودات دیگر فاقد آنند یعنی ادراک کلیات میکند از معلوم به کشف مجهول میرسد . طبیعت را مسخر خود میسازد . فکر و شعور و عقل دارد . قادر به تکلم و تعبیر مفاهیم عقلی بصورت کلمات و جمل و ترکیب و تحلیل آنهاست . از وجدان اخلاقی برخوردار و دارای اختیار است . از همین رو خویشتن را مسؤول افعال و اقوال خود می شمارد . گذشت زمان را درک میکند . دارای اعتقاد و ایمان است . قادر به تجدید و تغییر و تکمیل حیات خویش است و از راه تربیت یافته های خود را به اخلاف منتقل میسازد .

(۱) وجود یا روح جمادی ترکیبی است از عناصر و دارای حرکت جوهری است (گردش الکترون هاد و رهسته) وجود یا روح نباتی دارای نیروی رشد و نمو و تولید مثل علاوه بر حرکت جوهری است و وجود یا روح حیوانی دارای حواس بینائی، شنوائی . . . و حرکت (جابجائی) علاوه بر حواس نباتی و جمادی است و وجود انسانی عبارت از جسم (مجموعه مراتب سه گانه مذکور) و روح انسانی است.

ذوق او مولد صنایع ظریفه است . عقل او مسبب علوم و فنون است و بطور خلاصه دارای نفس ناطقه یا روح انسانی است .

نقل به اختصار از ص ۷۴ و ۷۵ مطالعه معارف بهائی و ص ۴۲

مبادی عقائد

حضرت عبدالبهاء میفرمایند :

" . . . حیات هر کائناتی به حسب استعداد اوست مثلاً در عالم جماد حیات است لکن بسیار ضعیف است مثل نطفه در رحم مادر روح دارد اما ضعیف است . چون به عالم نبات نظر کنی می بینی آن نیز روح دارد اما از عالم جماد قوی تر است . همچنین در عالم حیوان نسبت به عالم نبات، حیات بیشتر جلوه دارد . و چون به عالم انسان نظر می کنیم می بینیم حیات انسانی در نهایت قوت است . روح انسانی کاشف حقایق اشیا است که این صنایع را اختراع میکند . این همه علوم را اکتشاف مینماید این اسرار طبیعت را کشف میکند . در شرق امور غرب را تمشیت میدهد . در زمین اکتشاف آسمانی میکند ، لهذا در نهایت درجه قوت است . علی الخصوص اگر ارتباطی بخدا حاصل نماید و استفاضه از نور ابدی کند یک تجلی از تجلیات شمس حقیقت شود و به اعظم مقامات عالم انسانی رسد . . . " خطابات اروپا و آمریکا ص ۱۳۹

اختیار در انسان

چنانکه یقیناً " میدانیم سرشت آدم میرزاده شگفت انگیز است میتواند

رو بکمال باشد و باعظم مقامات رسد و فرشته صفت گردد در عین حال میتواند به سرایشی پستی و دناکت کشیده شود دیو خو گردد و از حیوانات وحشی نیز درنده تر شود. همواره در بین دو قطب متقابل قرار دارد یک قطب نشانه پائین ترین نقائص حیوانی و دیگری نمونه عالیترین کمالات انسانی است و در بین این دو قطب است که مقاطع تأمل، تفکر و تصمیم برای انسان پیش میاید.

حضرت عبدالبهاء میفرماید: "اشرف موجودات انسان است. انسان در نهایت رتبه جسمانیات است و بدایت روحانیات یعنی نهایت نقص است و بدایت کمال. در نهایت رتبه ظلمت است و در بدایت نورانیت. اینست که گفته اند که مقام انسان نهایت شب است و بدایت روز یعنی جامع مراتب نقص است و حائز مراتب کمال. جنبه حیوانیت دارد و جنبه ملکیت. . ."

مفاوضات ص ۱۷۷

مقصود اینست که با اختیاری که به انسان داده شده میتواند طوری زندگی کند که با تمسک و اطمینان به موازین الهیه هر چه بیشتر از مراتب نامطلوب و ناپسند دور و بمقامات مطلوب و محمود نزدیکتر شود. اینست که انسان راتنها موجودی میدانیم که حائز صفت مختار در عالم خلق است منتهی در مقابل مختار مطلق، که مظهر یَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَيُحْكَمُ مَا يُرِيدُ و مظهر امر میباشد، انسان، مختار نسبی است. اقتباس از ص ۳۷ تا ۳۹ مطالبی در مبادی عقائد

البنه اینکه انسان را صاحب اختیار میدانیم بدان معنی نیست

که انسان سراپا اختیار است چه که انسان سراپا انسان نیست تا بتمامی مختار مطلق باشد. انسان به مقتضای وجود جمادی، نباتی و حیوانی خود، مجبور بمراعات شرایط مخصوصه ای است که ادامه حیاتش را میسر سازد و از این جهات در بند جبر و ضرورت است. در عین حال اگر ما انسان را صرفاً عبارت از جماد و نبات و حیوان میدانستیم، هرگز نمیتوانستیم برای اوقائل به اختیار باشیم و در ردیف مادیون قرار می گرفتیم ولی چون قائل به روح انسانی و امتیازات معنوی انسان از سایر موجودات میباشیم، لهذا انسان را در نیات و اعمالش مختار میشناسیم و دارای وقوف و شعور نسبت به رفتارش میدانیم و همین شعور انسانی را لازمه تحقق اختیار میگوئیم. ما اختیار را در وجود خود با دو چیز احساس می کنیم: یکی تردید (۱) قبل از شروع کار و دیگر حصول رضایت یا ندامت در پایان کار.

حدود جبر و اختیار: حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در این باره به وجود حالت بینابین تصریح فرموده اند: لَا جَبْرَ وَلَا تَفْوِضَ بَلْ أَلَمْرُ بَيْنَ الْأَمْرَيْنِ و اینکه باین معنی بیشتر پی میبریم که حد و اختیار انسان همان محدوده تکالیف و اعمال است یعنی آن مواردی که اخلاق و مسؤولیت مطرح میشود و در پایانش، مجازات و مکافات به میان میآید و ندامت یا رضایت حاصل میگردد. خلاصه صفحات ۴۲ تا ۴۷ مطالبی در مبادی عقائد

(۱) بقول شاعر رومی: اینکه گوئی این کنم یا آن کنم خود دلیل اختیار است ای صَنَم

دربارهٔ حدود اختیار و در عین حال عدم اقتدار انسان ،
 مبین آیات الله چنین توضیح میفرمایند : قوله الابهی :

"این مسأله از امهات مسائل الهیه است و بسیار غامض است
 . . . اموری است که انسان بر آن مجبُول و مجبور است مثل خواب
 و ممات و عَرُوضِ امراض و انحطاط قوی و ضرر و زیان. این امور در تحت
 ارادهٔ انسان نیست و مسؤُول از آن نه. زیرا مجبور بر آنست. اما
 در اعمال خیریه و افعال شَرِّیه مَخیر است و باختیار خویش ارتکاب
 آن نماید مثلاً" اگر خواهد بذكر خدا مشغول گردد و اگر خواهد
 بیاد غیر مألوف شود .

ممکن است که از نار محبَّة الله شععی برافروزد و میسر است که
 مَجِبِّ عالم گردد و بیا مَبْغِضِ بنی آدم شود و بیا به حَبِّ دنیا پردازد و
 بیا عادل شود و بیا ظالم گردد . این اعمال و افعال در تحت تصرف
 خود انسان است لهذا مسؤُول از آن . . . " مفاوضات ص ۱۸۷
احتیاج انسان به استمداد از نغثات روح القدس

اما از لحاظ توانائی انسان در انجام هر کار و اجرای هر نیّت
 وصول بموقفیت مربوط به حصول تأییدات حق است ، بقوله الحکیم :
 "سکون و حرکت انسان موقوف به تأیید حضرت یزدان است . اگر مرد
 نرسد نه بر خیر مقتدر نه بر شر توانا . بلکه چون مدد وجود از ربّ
 جود رسد ، توانائی بر خیر و شر هر دو دارد . اما اگر مرد مُنْقَطِع
 گردد بکلی عاجز ماند . . . مَثَلِ این مقام مَثَلِ کشتی است . کشتی را محرک ،

قوّه باد و قوه بخار است . و اگر این قوت منقطع ، ابداً " حرکت نتواند
 با وجود این سُگان کشتی بهر طرف متمایل ، قوه بخار کشتی را به آن
 سَمْت راند . . . این حرکت از کشتی نه بلکه از باد و بخار است و
 همچنین جمیع حرکات و سکنات انسان ، مَسْتَمِدّ از مدد رحمان و لکن
 اختیار خیر و شر راجع به انسان . . . " مفاوضات ص ۱۸۸

پس انسان در عین اختیار و انتخاب عمل ، از حیث قدرت شروع
 و ادامهٔ کار محتاج تأییدات الهیه است و قوای مادیّه ، او را کفایت
 ننماید زیرا که عالم امکان معدن نقائص است و چنانکه در ابتدای
 مقدمات این مبحث (۱) مطالعه کردیم ، حتی برای تشخیص نیک از
 بد ، با توجه به ناقص بودن میزان حس و عقل و نقل ، "تأییدات روح
 القدس" باید بیا کمک نماید و در واقع "فیض روح القدس میسران
 صحیح است" و همچنین حضرت عبدالبهاء میفرماید قوله العزیز :
 "عالم مادی هر قدر ترقی کند باز محتاج تعلیمات روح القدس
 است زیرا کمالات عالم مادی ، محدود و کمالات الهی نامحدود
 است . چون کمالات عالم مادی محدود است لهذا احتیاج انسان
 بکمالات الهی است . . . محدود محتاج نامحدود است . مادیّات
 محتاج روح است و عالم جسمانی محتاج نغثات روح القدس . جسد
 بی روح ثمر ندارد هر قدر جسد در نهایت لطافت باشد احتیاج
 به روح دارد . . . " خطابات اروپا و آمریکا ص ۳۵

(۱) مقصود جزوه ۳۱ معارف عمومی است .

و نیز میفرمایند: "انسان د و حیات دارد یک حیات جسمانی یک حیات روحانی، حیات جسمانی انسان، حیات حیوانی است. . . . حیات روحانی انسان، سبب دخول د ملکوت اللّٰه است حیات روحانی انسان سبب روشنائی عالم بشر است. . . . این حیات روحانی انسان باقی است. . ."

خطابات اروپا و آمریکا ص ۳۶ تا ۳۸

خصوصیات روح انسانی

گفتیم که انسان با داشتن روح انسانی از مخلوقات دیگر ممتاز و مشخص میگردد. هر چند که ماهیت روح انسانی معلوم نیست ولی بارزترین خصوصیات آن بقرار زیر است:

- ۱- روح انسانی مجرد است (از سنخ مادیات و مرکب از عناصر نیست)
- ۲- دارای قوه ادراک و شعور است (در همه احوال نسبت به افعال خود آگاهی دارد) و این قوه هیچگونه مرکز جسمانی و مادی در بدن انسان ندارد.
- ۳- دارای قوه کشف است. خواص و روابط اشیا را کشف میکند. از معلوم به مجهول پی میبرد.
- ۴- دارای قوه ابداع و اختراع است.
- ۵- دارای قوه اختیار در اتخاذ تصمیم و در اعمال و رفتارهایی است که مشمول ثواب و عقاب مادی یا معنوی میگردد.
- ۶- دارای قوه عشق است که قویترین محرک انسان در انجام

تصمیمات اوست.

چون هیچیک از این قوی وجود عینی و جسمانی یا محسوس و متحیزند دارند، لذا هر یک نشانه‌ای و تأییدی بر وجود روح انسانی میباشند که وجود آنرا بفرموده حضرت عبدالبهاء باید احساس نمود نه اینکه اثبات طلبید. (دلائل مذکوره در آثار را خود هیکل مبارک مبین آیات توضیح میفرمایند که جهت نفوس ضعیفه است).

خلاصه اینکه انسان را موجودی الهی و علوی در این عالم سفلی

میدانیم. موجودی که در محفوظ داشتن و یا از دست دادن کمالات

خویش، مختار و بنا بر این مکلف و مسوول است. میتواند روی پای

خود بایستد اِتِّكَاةً بِنَفْسِ خُودِ داشته باشد و بگوید چسبون در

انتخاب اعمال، مختارم و هر چه میکنم بپای خودم نوشته میشود، باید

تلاش کنم تا مظهر فضائل و جامع جمیع کمالات شوم. کمالاتی که

لایق حیات معنوی و بقای روحانیم در عالم عقبی باشد.

نقل باختصار از "مطالبی در مبادی عقائد" ص ۵۲ تا ۶۰

* * * * *

حیوة بهائی نقش سرور د رصحت

نصوص مربوط به موجبات حصول نشاط را از جزوه قبل شروع نمودیم و اینک بقیه آن :

۲- تَمَسَّكْ به ذیل دعا و مناجات و ذکر الهی

چنانچه حضرت بهاء الله میفرمایند :

"... از امورات فانیه د نیای د نیه محزون مباشید بذكر سلطان

احدی به قلب را منور و سرور دارید . " آثا ر قلم اعلی ج ۷ ص ۵۸

و نیز " ... و به عنایت مقصود عالمیان بشارت ده شاید به فرح

ذکر الهی از احزان دنیا و کدورات آن فارغ گردند و به ذکر دست

یکتا قلب را منور دارند . . . " آهنگ بدیع شماره ۳۵۰

و نیز میفرمایند :

"... حق منیع شاهد و گواه است اگر نبی الجملة تفکر در عنایات

الهیة نمایند هرگز محزون نشوند و خود را مهموم ننمایند . ماخذ فوق

حضرت عبدالبهاء میفرمایند : "شخص روحانی از هیچ چیز مسرت

نیابد مگر به ذکر الهی" . از یاد داشت های میس روبرت سن

و حضرت ولی امر الله می فرمایند :

"... شخص بهائی اگر توجه تام به این آثار مقدسه نماید و

خوض و تعمق در بحر این تعالیم سماویه کند و معانی دقیقه و حکمت های

بالغه مودعه د رهبریک را بدقت و ملاحظه از آن استنباط نماید از هر

محنت و مشقتی و تعب و زحمتی و خطر و ربالی و حزن و کدوری د رحیاتی

مادی و ادبی و روحانی خویش محفوظ و مصون ماند .

توفیعات مبارکه ج اول ص ۶۵

۳- توکل و تفویض :

جمال مبارک میفرمایند : " ذکر اول آنکه باید د جمیع احوال با فرح

و نشاط و انبساط باشی و ظهور این مقام، محال بوده و هست مگر

به ذیل توکل کامل، توکل نمائی . اینست شفاى امم . . . "

امرو خلق سوم ص ۱۳۰

۴- اکتساب علوم و فنون :

حضرت بهاء الله میفرمایند :

"... فی الحقیقه کنز حقیقی از برای انسان علم اوست و اوست

علت عزت و نعمت و فرح و نشاط و بهجت و انبساط . طوبی لمن تمسک

به و و یل للغافلین . " امرو خلق ج سوم ص ۳۰۵

۵- توفیق د ر کسب رضای الهی

حضرت عبدالبهاء خطاب به تلامذه بیروت میفرمایند (۱۱ جولای

۱۹۱۴ د مقام اعلی)

"... انسان باید نوعی زندگی کند که د ر نزد خدا ود ر نزد

اولیای الهی ود ر نزد خلق ممدوح باشد ، اگر اینطور باشد ^{یت} نه

سرور از برای او رخ میدهد ، اینست سبب سرور قلب انسان ، که

درد رگه حضرت احدیت مقبول باشد ، آنوقت قلب او همیشه د ر نهایت

فرح است و اگر انواع بلا یا و صدمات از هر طرف بر او وارد آید قلبش

سرور است مانند د ریائی میماند که بر روی آن موج و طوفان دید

میشود ولی عمقش ساکن و راحت است و الا انسان به هیچ چیز سرور

نمیگردد . یک یا دو روز است بعد منقلب میشود مثلاً " انسان اگر

به کنزی برسد سرورش موثقت است و زحمت و مشقتش بیحد، اما اگر به رضای الهی موفّق شود و در رگه احدیت مقبول افتد، در پیشگاه حق مقرب و در نزد اولیای الهی مدد و رحمت و نظر جمیع محبوب باشد این کنزی است که سرور اندر سرور است، هیچ وقت خسارتی بر آن وارد نیاید انسان همیشه تروتازه و خوشدل و مسرور و ممنون است. در عالم وجود نعمتی بالاتراز سرور الهی نیست این سرور، اول نعمت عالم انسانی است. "خاطرات حبیب ج ۱ ص ۳۶۵

و نیز میفرمایند:

"... ای طالب رضای حق، مقام رضا بسیار مشکل است و اعظم آرزوی اهل بهاء، سألک در این مقام، سگلی از خود بیخبر است و آنچه واقع، در دوش را در زمان وزخمش را مَرَهَم سریعّ الالتمیام است در این مقام جفا را وفا یابند و بلا را اعظم آلا شمارند. مصیبت را موهبت دانند و کُربت را مسرت شمرند... فرح و سرور دائمی گردد و فیض حُبورش ابدی، بر سریر سلطنت و استقلال جلوس نمایند و به اعظم آمال مأنوس شوند. امروز خلق ج سوم ص ۴۰۴

بیانات حضرت حرم در باره حضرت ولی امرالله

حضرت شوقی افندی آیت خدا

دوستان عزیز و محبوب میخواهم سوآلی از شما بکنم: حضرت بهاءالله متعلق بکیست؟ من در باره این مطلب زیاد فکر کرده ام در باره این جلسه پرشکوه که همه افتخار شرکت آنرا داشتیم و نیز

در باره این موضوع اندیشیده ام که "آیا حضرت بهاءالله متعلق به کیست؟... هیچکس نمی تواند بگوید آفتاب جهان تاب متعلق بشرق است یا بغرب یا بشمال است یا بجنوب. هیچکس نمیتواند ادعا کند خورشیدی که در ایران یا آمریکا میتابد با خورشید آفریقا یا اروپا فرق دارد. خورشید از مادور است و بر تمام اشیاء یکسان میتابد هیچکس بر او حکمفرمایی نمی کند و به هیچکس تعلق ندارد و در عین حال متعلق به همه است.

همین مطلب در باره حضرت بهاءالله صدق میکند بعضی از اوقات اینطور بنظر میرسد که برخی از افراد یا جماعات بواسطه عدم بلوغ چنین فکر میکنند که حضرت بهاءالله بانان تعلق دارد. ماهها حیای عالم، چه کسانی که اینجا حاضریم وجه کسانی که در اینجا حاضر نیستند میدانیم که حضرت بهاءالله متعلق بهمم اهل عالم است این حق مخصوصی نیست که بکسی تعلق داشته باشد مردمی که از اقطار عالم باینجا آمده اند کسانی نیستند که امر مبارک را "دست دوم" قبول کرده باشند درست است که اینان از امر مبارک بوسیله مهاجرین اطلاع پیدا کرده اند ولی آنان امر را بنحوی قبول کرده اند همچنان که نور خورشید بهر گیاهی متعلق است و هر گیاهی موقع روئیدن قبول کرده است که در ظل آن درآید.

یکی از فوائد این جمعیت کثیر این است که این حقیقت را بهتر درک کنیم. بسیاری از ما دیده ایم که احبای تازه تصدیق

که از مهد امرالله و تشکیلات دور بوده اند چگونه امر را قبول کرده و حبّ حضرت بهاءالله را بدل گرفته اند. اینان نه تنها عشق جمال مبارک را در قلوب خود جایگیر کرده اند بلکه آنرا در مغزهایشان هم استوار ساخته اند. افراد بومی قلبی پاک و بی آرایش دارند آنان چون قلوبشان پاک است مسلماً بملکوت الهی داخل خواهند شد. من مایلم از آنچه از آنها دیدیم درس بگیریم.

یکی از دوستان اهل (مانتاوی) را که بوسیله دکتر مهاجر معرفی شد در اینجایزارت کردیم دانستیم که آنها روی پوست بدنهایشان تصاویر مختلفی می کشند و طرز زندگی آنها با ما فرق دارد ولی چیزی که آن دوست ما گفت حاکی از قلبی پاک و روحی خالص بود. این موضوع درباره برادران بلوی و یوگاندائی و سایر بومیانی که در اینجا صحبت کردند صادق است.

این مطلبی است که جدا "بآن معتقدم که تعلیم و تربیت کاری به هوش و استعداد افراد ندارد مایلم بعضی دوستان بیسواد ما که در این جشن عظیم حاضرند بدانند که حضرت مسیح بیسواد بود همچنین حواریون و اصحاب حضرت رسول اکرم بیسواد و امی بودند ولی در زمان حضرت رسول افراد زیادی بودند که دارای سواد و علم و کمال بودند ولی خداوند افراد عامی و بیسواد را انتخاب کرد که کلمات الهیه را تبیین کنند و نشر دهند.

بیائید خدایان د روغی رانپرستیم — سواد و معلومات وسیله است نه هدف.

حضرت بهاءالله فرموده اند دختر و پسر را باید تربیت کرد البته این یک موضوع ضروری و بدیهی است — زیرا اگر افراد تحصیل کنند میتوانند الواح و آثار را بخوانند و احکامش را فراگیرند. ولی ایمان ربطی به تحصیل و سواد ندارد، من خیال نمی کنم مقصود فرا گرفتن سواد و تحصیل آن است که انسان استاد نیزیک باشد، من شک دارم که این علوم در عالم بعد هم دنبال شوند.

در اینجا مطالبی درباره فقر گفته شد از جمله دوست بلوی ما در این باره مطالبی گفتند. ما میدانیم از بین بردن فقر و غنای مُفَرَط یکی از تعالیم حضرت بهاءالله است، چون ماد رشرق و غرب آفریقا احبای فقیر زیاد داریم باید فراموش نکنیم که طبق آثار مبارک این افراد هستند که بملکوت الهی وارد میشوند، حضرت مسیح میفرمایند گذشتن شتر از سوراخ سوزن آسانتر از دخول غنی — بملکوت الهی است.

باید بدانید فقر افتخار افراد است و ممکن است باعث بلوغ نوع انسان شود. من افتخار داشتم که احبای مرکز و جنوب آفریقا را در منازل و مناطق خودشان زیارت کنم من به منازل آنها رفتم آنان مردم فقیری هستند، هیچگاه در عمرم مانند آن ایام مسافرت آفریقا خوشحال نبوده ام، این احبای بقدری دارای قلوب پاک و احساسات مقدسی بودند که حد نداشت.

حضرت بهاء الله میفرمایند: علم بصورت ظاهر حجاب بزرگی است و ممکن است حجاب قلب انسان شود، کسانی بوده اند که تحصیل را رها کرده و بمهاجرت رفته اند و کسانی هم بوده اند که بقدری به تحصیل مشغول بوده اند که نتوانستند آنها رها کنند و قیام بخدمت، تحصیل و علم برای این نیست که ما را از خداوند دور کند.

علم موفق نشده است تسهیلات برای مردم فراهم کند و ما که در حال تغییر و تبدیل از جهانی به جهان دیگر هستیم کیفیتی داریم که افراد می خواهند مثل یکدیگر باشند و از یکدیگر تقلید کنند، شاید این موضوع جالب نباشد که هنگامی که جشن چهلمین سال تولد خود را میگیریم، بنا بر آنچه گفته شد خوشحال نبودم چون فکر میکردم دارم پیر میشوم و بسن چهل سالگی رسیده ام یک ناراحتی در خود حس میکردم ولی وقتی کمی فکر کردم و بخود آمدم هدیه من بخودم این بود که به عقاید مردم اعتقادی نداشته باشم و بحرتهای آنها گوش ندهم (کف زدن حضار).

وقتی میگویم شبیه شدن و تقلید کردن مردم از یکدیگر بصورت مَرَضِيّی درآمده است مبالغه نیست. در مجامع غربی میخواهیم تمام افراد پارک داشته باشند و ماشینی شوند چون فکر میکنیم بنظر ما ثروتمندترین مردم، موفقترین افراد محسوب میشوند، ما متعلق به تمام مردم جهان هستیم ما نباید امر بهائی را با جامعه خارج

این اشتیاق که بیا جبار همه را مُتَّحِدُ الشَّکْلِ کنیم یکی از بدبختی های تمدن غرب است این از تعالیم مبارک نیست که همه از همدیگر تقلید کنند، امیدوارم احبای شرقی و غیر غربی از ما تقلید نکنند.

اگر این احبا که دارای قلبی پاک و صاف هستند از ما تقلید کنند و ما را از خود بالاتر بدانند خطرناک خواهد بود. این مطابق تعالیم حضرت بهاء الله نیست مطابق دستورات حضرت ولی امرالله هم نیست ما نباید همه مثل همدیگر باشیم. وحدت در تنوع بیان حضرت بهاء الله است ما باید متنوع باشیم ولی در عین حال در یک جامعه و در یک دایره خدمت کنیم، سعی ما این نیست که همه بهم شبیه شویم بلکه ما میخواهیم همه با هم در مقاصد امری، اشتراک مساعی و همکاری کنیم.

من برای ۵۰۰ هزار سال دیگر صحبت نمی کنم در باره امری صحبت میکنم که امروز مطرح است، خیال نکنید روش زندگی ایرانی یا استرالیایی یا آمریکایی بهترین روش است، هرگز چنین چیزی نیست ما تعالیمی داریم که بوسیله حضرت ولی امرالله تشریح شده و راهی بما ارائه شده است که باید از آن پیروی کنیم و باید سعی کنیم عالیترو لایق تر شویم. بیائید راجع به حال حاضر و دستورات حضرت ولی امرالله صحبت کنیم. ایشان در نهایت وضوح و سادگی تعالیم و دستورات را بیان فرمودند و در نوشته ها

خود ما را تشویق فرمودند که در مسائل جزئی، اختلاف داشته باشیم ایشان این دستورات را هزاران بار در نامه‌های فارسی و انگلیسی خود مرقوم فرمودند و ما باید آنها را جمع‌آوری کنیم و از آن استفاده ببریم، یکی از مطالبی که گواراً مرقوم می‌فرمودند این بود که مانعی ندارد که در مسائل جزئی اداری، اختلاف نظر داشته باشیم ولی این مربوط به محفل است که راه خود را انتخاب کند.

موضوع دیگری که احبای باید بدانند این است که هیکل اطهر دستورات مخصوصی برای هر ناحیه‌ای از دنیا میدادند مثلاً برای ایران یا آفریقا یا انگلستان. بهترین راه پیشرفت را ارائه می‌فرمودند اگر ما حکمت این دستورات مبارک را درک کنیم، موفق خواهیم شد به پیشرفت امر کمک کنیم چون من افتخار عضویت در هیئت ایادی ارضی اقدس را داشتم نامه‌هایی واصل میشد و مشکلات جوامع مختلف بیان میشد مثلاً از بعضی از نقاط آسیا مینوشتند محافل ضیانت تشکیل نمیشود شاید در روهله اول فکر میکردم چرا احبای این نقاط امر را اطاعت نمی‌کنند ولی وقتی که مشکلات آنانرا مطالعه میکردم می‌دیدم بعضی از احبا روزها ۱۱ ساعت کار میکنند و راهها دور است و وسائل ندارند و مجبورند اطفال خود را هم نگهداری و تربیت کنند حتی بعضی جاها چراغ هم ندارند آنوقت می‌دیدیم چطور ممکن است برای ضایع جمع شوند

ما که در شهرهای متمدن هستیم و کلیه وسائل داریم گاهی ضیانت نمی‌رویم.

جهان بهائی جهانی است که در حال تغییر و تبدیل است ما باید خود را با احتیاجات محلی، منطبق کنیم بهتر است اول وضع خود را مطالعه کنیم و از دیگران افتقاد نکنیم ایشان بارها می‌فرمودند امر الهی بایستی عالم را احاطه کند، امر بهائسی دیانت معتدلی است.

هیکل اطهر اساس تعالیم را با پیشرفت روحانی بماد دادند چون احبای ایران قبلاً مسلمان بودند، و چون امر مبارک از کشور اسلامی ظاهر شد، ایشان میدانستند که احبای ایرانی افتخار این را داشتند که تمام بار تعالیم حضرت بهاء الله را بدوش بکشند و از آنان خواسته شده بود تعالیم را بیشتر اطاعت کنند چون سابقه آنان در امر زیاد تر بود، اجرای بعضی از تعالیم را از آنان خواسته بودند در صورتی که از احبای غرب خواسته نشده بود. این مطلب افتخار و مسؤولیت و میراث آنان بود. حضرت ولی امر الله شروع کردند باینکه بما غربیان یاد بدهند چگونه زندگی کنیم و نظم بدیع را اجرا کنیم. مادرم میگفت حضرت عبدالبهاء می‌فرمودند بعضی از احبای غرب از ایشان خواسته بودند بعضی دستورات را تغییر دهند و مثل بچه‌ها تقاضا میکردند فلان دستور را تغییر دهند ولی ما حالا تغییر کرده‌ایم هیکل اطهر تعداد

زیادی از تعالیم مبارک را بما آموختند . بعد از سالها به احبای آفریقا چیزهایی را که لازم بود بدانند فرمودند از قبیل نخوردن مشروب و گرفتن روزه - این تعالیم را باحبای آفریقا دادند و آنان اطاعت کردند .

د رهر کس این فکر هست که میخواهیم فکر و عقیده خود را پیش ببریم ولی من معتقدم که باید همیشه دستورات محافل را اجرا کنیم ما نباید از این تشکیلات بعنوان وسائلی برای اجرای افکار خود مان استفاده کنیم . بلکه باید بدانیم اطاعت تشکیلات دستور الهی است این بما قدرت روحانی عظیمی میدهد که دیانست بهائی را در حقیقت بی همتا میسازد . در عین حال این موضوع آزادی افراد را از بین نمی برد و کمک میکند که افراد خود را نشان بدهند .

هیکل مبارک مدت سی و شش سال ولی امر حضرت بهاء الله بودند . این فکر در من بوجود آمده که اگر ایشان ۳۶ سال هم عمر میکردند همین قدرت عظیمی را داشتند که بما نور کافی مبدول فرمایند .

در این ۵ سالیکه از صعود مبارک میگذرد اینطور احساس کرده ام که چیزی نیست که ایشان بیان فرموده باشند . در حقیقت ما گنجینه گرانبهای داریم اگر دستورات را مطالعه کنیم . در مدت ۳۶ سال نظم بدیعی بما دادند . میخواهم بپرسم نظم بدیع

چیست ؟

اینطور که من فهمیده ام قسمت هایی از نظم جهانی حضرت بهاء الله که در آینده انجام خواهد شد ، اساس ترقی جامعه آینده است . ما اکنون یک نظم بهائی داریم چون اکنون اکثریت را در جهان نداریم ، بعداً این نظم امری به نظم جهانی تبدیل میشود .

حضرت ولی امر الله فرمودند بعد از اینکه ۱۶ سال زحمت کشیدیم که نظم بدیع را در غرب با احبا بیاموزیم ، اکنون بایستی پیش برویم و به تبلیغ بپردازیم ، هیچ راه دیگری جز تبلیغ در عالم برای احبا موجود نیست حضرت اعلی حضرت بهاء الله و حضرت عبداله با تبلیغ فرمودند حضرت عبداله با فرمودند کاش میتوانستم پسای پیاده از شهری بشهری و از دهی بدی برای ابلاغ کلمه الله بروم . تبلیغ اولین وظیفه هر بهائی است این دستور مبارک است که هر فرد بهائی باید سعی کند هر سال یک نفر را تبلیغ کند .

مانباید از مشکلات بترسیم باید دائماً و مستمراً تبلیغ کنیم تا وقتی که به موفقیت نهائی نرسیده ایم ، نباید استراحت کنیم مانباید بگوئیم در فلان نقطه حالا تعداد احبا کافی شده است ، وظیفه ما تبلیغ دائمی امر الله است بهر وضعی که بتوانیم . خداوند قدرت و تأیید خود را شامل حال ما خواهد کرد ما بنام خدا پیش خواهیم رفت .

شما بیاد دارید بزرگترین مایه خوشحالی حضرت ولی امر الله

ازد یاد عدد احبا بود، ایشان صبر نمی کردند به آفریقا میفرمودند
 که حالا تعداد احبا چقدر است؟ با کمال خوشحالی با حبای
 ایران اطلاع میدادند که احبای آفریقا یا جای دیگر به ۶ هزار یا
 ده هزار رسیده است. حال خیال میکردیم احبا کاملاً استقرار
 نیافته اند ولی ایشان خوب میدانستند امر حضرت بهاء الله
 همیشه پیش میرود. میفرمودند اگر ما تبلیغ کنیم مردم بدون ترس
 امرالله را خیرمقدم میگویند و آنرا قبول میکنند و خداوند از بین
 آنان مبلغین و ناشرینی مبعوث خواهد کرد. میفرمودند احبا
 تعالیم مبارک را مطالعه نمی کنند. این موضوع درباره ما صحیح
 است وقتی ما کتاب امری در دسترس داریم چرا آنها را نمی خوانیم
 من میدانم بسیاری از شما و خود من باندازه کافی تعالیم مبارک
 را مطالعه نمی کنیم.

(ادامه دارد)

د رس نهم عربی :

این درس و درس دهم منحصر است به یاد آوری و تمرین مطالب
 خوانده شده، تشخیص علت اعراب در متون اعراب شده (مرحله
 آخر درس عربی این دوره) به همراه استخراج معنی بعضی لغات
 از کتاب لغت بدین لحاظ جز در موارد کاملاً " ضروری از معنی
 کردن متون، اجتناب شده است.

تمرین ۱: متون انتخاب شده از نصوص مبارکه را بدقت بخوانید و
 معنی کنید، سپس فعالیت های زیر را روی این متون انجام دهید:
 ۱- علت اعراب کلماتی را که زیر آنها خط کشیده شده مشخص کنید.
 ۲- افعال را مشخص کرده و تعیین کنید.

الف - سالم است یا غیر سالم.

ب - لازم است یا متعدی.

ج - معلوم است یا مجهول.

د - ماضی، مضارع یا امر است.

ه - مجرد یا مزید است و اگر مزید است از چه بابی است و

صیغه آن کدام است

و - ریشه آن چیست؟

ز - اسمهای فاعل، مفعول، تفضیل را معین کنید.

ح - اسمهای مؤنث را که دارای علامت تأنیث هستند

مشخص کنید.

توجه: اَللّهُمَّ: ای خدا (یا اَللّهُ بوده که به این شکل در آمده)
 کَلَمًا (هر زمان) ظرف زمان است و مبنی است.

أَنْ يَا مَلَأَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ أَنْ أَسْتَمِعُوا شَهَادَةَ اللَّهِ مِنْ لِسَانِ
 رَبِّكُمْ الْأَبْهَى إِنَّهُ شَهِدَ لِنَفْسِهِ بِنَفْسِهِ قَبْلَ أَنْ تُرْفَعَ سَمَاءُ أَمْرِهِ وَ -
 سَحَابٌ قَضَائِهِ بَأَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالَّذِي ظَهَرَ أَنَّهُ لِاسْمِ الْأَعْظَمِ بِهِ
 ثَبَتَ بُرْهَانَ الْقِدَمِ وَحُجَّتَهُ عَلَى مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ شَهِدَ اللَّهُ
 لِنَفْسِهِ بِنَفْسِهِ فِي كَيْفُونِهِ ذَاتِهِ بَأَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالَّذِي أَتَى بِالْحَقِّ
 إِنَّهُ مَظْهَرُ أَسْمَائِهِ الْحُسْنَى وَمَطْلَعُ صِفَاتِهِ الْعُلْيَا بِهِ دَلَّ لِسَانُ الْفَجْرِ
 عَنْ أَفْقِ الْبَقَاءِ وَنَطَقَ الرُّوحُ الْأَعْظَمُ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى بَأَنَّهُ هُوَ
 الْمَقْصُودُ فِي مَدَائِنِ الْأَسْمَاءِ وَالْمَذْكُورُ فِي الْوَجْهِ الَّتِي نَزَلَتْ مِنْ
 سَمَاءٍ مَشِيَّةٍ رَبِّكُمْ مَا لِكِ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ وَأَنَّهُ لَسَبَبُ الْأَعْظَمِ بَيْنَ الْأُمَمِ
 قَدْ ظَهَرَ لِحَيَاةِ الْعَالَمِينَ . . .

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا إِلَهَ الْعَالَمِ وَمَالِكِ الْأُمَمِ أَشْهَدُ إِنَّكَ لَمْ تَزَلْ كُنْتَ
 مُقَدِّمًا عَنْ ذِكْرِ الْكَائِنَاتِ وَمَنْزَهَا عَنْ أَعْلَى وَصْفِ الْعَمَكِيَّاتِ كَلَمًا
 أَرَادَ الْمُخْلِصُونَ الصَّعُودَ إِلَى عِرْفَانِكَ أَطْرَدَهُمْ جُنُودَ عِلْمِكَ وَكَلَمًا
 أَرَادَ الْمُقْرَبُونَ الْوُرُودَ إِلَى سَمَاءِ قُرْبِكَ مَنَعَتْهُمْ سَطْوَةُ بَيَانِكَ نَشْهَدُ

أَنْ أَعْلَى مَرَاتِبِ الْأَسْمَاءِ كَانَ خَادِمًا لِجَانِبِكَ وَأَبْهَى مَطَالِعِهَا
 سَاجِدًا لِمَطْلَعَتِكَ وَخَاضِعًا لِحَضْرَتِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الَّذِي لَا تُوصَفُ
 بِمَا تُرَكَّبُ مِنَ الْحُرُوفِ وَتَقْوَهُ بِاللَّفَاطِ وَلَا بِالْمَعَانِي الْمَكُونَةِ فِيهَا
 لِأَنَّ كُلَّ ذَلِكَ مَحْدُودٌ بِحُدُودَاتِ الذِّكْرِ وَالْبَيَانِ وَيَنْطِقُ بِهَا هَلْ
 الْإِمْكَانِ تَعَالَى تَعَالَى مِنْ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ ذِكْرٌ أَحَدٍ وَيَدْرِكَكَ
 إِذْ رَأَى نَفْسٍ . . .

(۱) تبصره: د ریاب تفاعل و تفعّل اگر د و (ت) باهم بیایند برای سبک
 شدن کلام، یکی از آن دو میتواند حذف گردد .

* * * * *

لغات و اصطلاحات جزوه ۳۹

آیت: نشانه - علامت - مجازا" بمعنی مردان بزرگ و امور عجیبه
 و خارق العاده نیز آمده است

آلایش: ناخالصی، پلیدی، آلودگی به اشیاء ناپاک

امثال: فرمان بردن، اطاعت کردن، نقل حکایت و مثل نمودن .

اشتراک مساعی: تشریک مساعی، کوشش های خود را با هم بکار
 بردن، سهیم شدن در کمک بیکدیگر

اعجاب: کسی را بشگفت آوردن، عجیب دانستن، تعجب همراه

با تحسین

إِدْعَانٌ : اقرار و اعتراف کردن ، گردن نهادن ، فرمانبرداری و فروتنی کردن

إِتْقَانٌ : مُحْكَمِي ، متانت ، محکم کردن

أَرْضِيَّةٌ : زمینی ، منسوب به زمین

آلَاءٌ : نعمت ها (جمع أَلَى)

أُمَمَاتٌ : اصول مطالب ، موضوع های مهم و مورد توجه - ماد ران (مفرد أُمَّة)

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ : هر آینه این از امر

و فرمان حق است که هرگاه اراده به ایجاد چیزی نماید ، به

آن میفرماید بوجود آ ، بلافاصله موجود میشود . (۸۲ یس)

تَقْنِينِيَّةٌ : (در اصطلاح فارسی) : مربوط و منسوب به قانون گذاری

تَقْرِبٌ إِلَى اللَّهِ : نزدیک شدن به خداوند ، بوسیله کسی یا عملی

بحق نزدیک شدن

تَسْهِيلٌ : انجام کار را ساده و آسان نمودن ، امکان انجام امری را با

وسائلی فراهم نمودن .

تَمَعُّنٌ : فکر کردن ، دقت و تأمل و تعمق کردن

جَزِيلٌ : بزرگ ، زیاد ، عظیم ، محکم ، فراوان ، سخن فصیح

حَرَكَةُ جَوْهَرِيٍّ : حرکت ذاتی و طبیعی ، " جمیع اشیا متحرک است

... این حرکت را حرکت جوهری گویند یعنی طبیعی از

کائنات ، این حرکت مُنْفَكٌ نمیشود " مفاوضات ص ۱۷۶

حَائِزٌ : جامع ، دارا ، د بر دارنده ، گرد آورنده ، مالک شونده و مُنْضَمٌ كُنْنَدَه

خَوْضٌ : فرو رفتن در آب ، در باطل فرو رفتن ، در تشبیه به فرو رفتن

در مشکلات و بلا یا و همچنین فرو رفتن در مسائل و مطالب

اطلاق میشود .

دَنَائَتٌ : در فارسی بیشتر بمعنای پست فطرتی و فرومایگی مصطلح است .

رِدَاءٌ : بالاپوش ، روپوش ، عبا ، جُبَّه ، عقل (جمع : أَرْدِيَّةٌ)

سُئِلِيٌّ : مُؤَكِّثٌ أَسْفَلٌ ، پست تر ، پائین تر ، سُئِلِيٌّ : زیرین

شَمُولٌ : شامل گردیدن ، در بر گرفتن ، همه را فرا رسیدن

شَيْدَ اللَّهِ أَرْكَانَهُمْ : خداوند ارکان و پایه های آنان را محکم و استوار

گرداند .

صَنَائِعٌ كَلْرِيْفَةٌ : کارهای دستی که با ظرافت و دقت در جزئیات همراه

باشد مثل نقاشی ، مینیاتور ، بعضی از انواع نقاشی

طَوْبِيٌّ لِمَنْ تَمَسَّكَ وَ وَيْلٌ لِلْعَاقِلِينَ : خوشا بحال هر که با اعتقاد

محکم عمل نماید و وای بحال بی خبران

عُرُوضٌ أَمْرَاضٌ : عارض شدن و پیش آمدن بیماری

عَلْمُدَارٌ : پرچم دار ، کسیکه با برافراشتن پرچم در جلوسپاه حرکت

کند .

عُصْبَةٌ : جمعیت ، طائفه ، دسته (جمع : عَصَبٌ)

عَلَوِيٌّ : فوقانی ، بالائی ، برین (نقطه مقابل سُفْلِيٌّ)

عَقْبِي : آخِرَت ، آخِرِهرجيزی ، جَزَا ، آخِرِ وپایان ،
عَقَبَات : گردنه‌ها ، راههای صَعْبُ الْعُبُورِ د رکوهستان (مفرد)
غَامِض : امر مَثَمٌ وپیچیده ، کلام یا مطلب غیر واضح ، خواروگمنام
(جمع : غَوَامِض)

(از قُوَّة به فِعْل در آمدن : آنچه که در مرحله استعداد وقوه پنهانی
وجود دارد بحالت آشکار و عملی برسد
قیادت : پیشوائی ، فرماندهی ، سرداری ، رهبری
کِرَارًا : به کِرَات ، بَدَفَعَات متعدد ، مِرَارًا

كُمُون : ناپیدا ، مخفی گاه ، مخفی شدن ، پنهان کردن
كَلِي (جمع آن كَلِيَّات) : لفظی که بر افراد کثیر صدق کند (در منطق)
مانند : انسان ، حیوان ، نبات ، جماد (برخلاف جُزْئِي لفظی که
بر ذاتی مشخص و معین صدق کند مانند : هوشنگ ، کبوتر ،
هوچ ، الماس)

لَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ : از بین نرفته در گذشته و از بین نرفتنی در آینده ،
همیشه بوده و خواهد بود .

لَا لِأَوْلِيٍّ بَدَآئِيَّةٌ وَلَا لِآخِرِيَّةٍ نِهَائِيَّةٌ ، اِسْمُ الْخَالِقِ يَنْسَبُ وَيَطْلُبُ الْمَخْلُوقَ
وَكَذَلِكَ اِسْمُ الرَّبِّ يَقْتَضِي الْمَرْبُوبَ : نه برای شروع آغازی باشد و نه
برای ختمش پایانی ، نام خالق ، خود ، وجود مخلوق را میطلبد
(ثابت میکند) و همچنین نام رَبِّ (مُرَبِّي) ، خود مستلزم وجود
مربوب (پرورش یافته) است .

لَا أَوْلَىٰ لَهُ وَلَا آخِرَ لَهُ : نه اولی برای آن هست و نه آخری ، بدوین ابتدا
وانتها ، بی آغاز و بی پایان

لَوْلَا كَمَا خَلَقْتَ أَتَى الْفَلَكَ : اگر تو نبودی ، اصلاً " عالم و طبقاتش را
خلق نمی نمودم (خطاب خداوند به حضرت محمد ص (حدیث))
چون حقیقت حضرت محمد ، همان حقیقت واحد امر است ، پس
بواسطه و بخاطر اهمیت عالم امر بود که خداوند مخلوقات را
آفرید

لَا جَبْرٌ وَلَا تَفْوِيزٌ بِلِ الْأَمْرَيْنِ الْأَمْرَيْنِ : نه اجبار کامل است و نه
اختیار مطلق بنگه هالتی بین این دو امر است

لَا جَرَمٌ : ناگزیر ، لا بُدَّ ، به ناچار

لَا يَنْعَزِلُ : همیشگی ، عَزَلُ نشدنی

مُوقَدَّةٌ : مشتعل ، شعله ور ، برانروخته

مُعْتَنِي بِهِ : قابل توجه و اِعْتِنَا (مَعْتَابِه)

مُوقُودٌ : برانروخته ، روشن شده (آتش) مَتَلَأَ لِي و در رخسندده

مُنْتَخِبٌ : انتخاب کننده

مُنْتَخَبٌ : انتخاب شونده

میراث : ارثیه ، تَرَكَةٌ ، آنچه از شخص وفات یافته باقی ماند (جمع :
مَوَارِثُ)

مَوَارِثُ

مُتَّخَذَةٌ : اتخاذ شده ، گرفته شده

مَنَاطٌ : (مَجَازًا : سَنَدٌ ، حُجَّتٌ ، مِلَاكٌ و میزان) ، محل آویختن

مُنْتَجَج: نتیجه، حاصل، مولود

مَبْعُوث: برانگیخته شده، مأموریت یافته

مُتَبَاهِي: مُفْتَخِر، افتخار کننده

مَنْصُور: یاری کرده شده، نصرت یافته (د ر فارسی: غالب، مظفر،

پیروز)

مُسْتَتِر: پنهان، پوشیده و در پرده، مستور

مُهْمَل: کنار و بی مصرف گذاشته شده، بیهوده، بیکار و بی مصرف،

هرگله غیر مستعمل

مَعَارِك: میدان های جنگ (مفرد آن: مَعْرَكه، مَعْرَك: رزمگاه، جای

نبرد و زد و خورد)

مَهَالِك: مواضع هلاک، بیابانهای بی آب و علف (مفرد: مَهَالِكه)

مُبْغِض: دارای بُغْض، کینه و رز، دشمنی کننده

مَمَات: مرگ، نیستی، زمان مرگ، محل مرگ

مَجْبُول: آورنده شده، سرشت یافته، خو گرفته، در فطرت قرار داده

شده

مَلَكِيَّت: فرشته بودن (مَلَك: فرشته)

مُسَبَّب: سبب ساز، باعث شونده، علت بوجود آورنده

مَوْلِد: تولید کننده، بوجود آورنده شیئی از شیء دیگر، زایاننده

(قائله)

مُتَحَيِّز: جای گیرنده، هستی پذیر، موجود جس شدنی

مُهْمُوم: مَغْمُوم، غمگین، غمزده، مَحْزُون (از ریشه هَم، جمع آن: هُمُوم)

مُقَرَّب: نزد یک گردانیده شده، مَقَام قُرْب یافته، اصطلاحاً به شخصی

اطلاق میگردد که بحق نزدیک شده و به قُرْب اللّه نافرگشته

است.

مَرَهْم: هر ماده داروئی نرم و شفا بخش که بر زخم و جراحت نهند

(جمع: مَرَاهِم)

نَفْسِ نَاطِقَه: روح انسانی، قوه مد رکه

وَجْه اِقْدَامات: شکل، نرم یا صورت اِقْدَامات

وَكَلَاء: نمایندگان، اشخاص مورد اعتماد که اجرای کاری بعهده

آنهاست (مفرد: وکیل)

هَيْئَتِ عَامِلَه: در هر جلسه مشورتی رسمی، جهت اداره نظم

جلسه و پیگیری مطالب و مکاتبات و تأمین احتیاجات لازمه

افرادى به سمت ناظم، منشی، خلاصه نویس و صندوقدار در

صورت نیاز انتخاب میشوند که بآنها هیئت رئیسه نیز گفته

میشود.

يُمْن: مَبَارَك بودن، بَرَكَت، مَبَارَكِي، عِزَّت و نِعْمَت

* * * * *

أَعْلَام جَزوه ۳۹

اوگاندا (بوگاندا) در آفریقا کشوری به وسعت ۸۸۶'۳۵ کیلومتر مربع

و جمعیتی برابر ۲۰۰۰۰۰۰ نفر بصورت جمهوری اداره می شود

اکثریت آن سه هیوست و قریب ۴۰۰۰ نفر سفید پوست دارد ۵۰٪

آن مسیحی و ۷٪ نیز مسلمان می باشند، زبان رسمی: انگلیسی ، پایتخت: کامپالا ، شهرهای مهم: امبالی ، آنتبه-تاریخ استقلال و عضویت سازمان ملل: ۱۹۶۲- واحد پول: شیلینگر اوگاندا .
بولیوی : در آمریکای جنوبی با ۵۲۷۵۰۹۸ کیلومتر مربع وسعت و ۴۸۰۰۰۰۰ نفر جمعیت در غرب برزیل واقع گردیده و حکومت آن جمهوری است ۳۹٪ جمعیت را ساکنین شهرها تشکیل داده اند. اکثریت نژادی کشور را سرخپوستان تشکیل داده و بقیه سفید اروپائی یا دورگه می باشند ، بیشتر مردم آن مسیحی بوده و مذهب نیز کاتولیک است. زبان رسمی: اسپانیولی و پایتخت آن لاپاز میباشد .

پاناما : در آمریکای مرکزی، نام کشوری است در دوسوی کانال- پاناما، بین اقیانوس کبیر و دریای کارائیب، به مساحت ۷۵۶۴۸ کیلومتر مربع و با ۱۷۷۲۰۰۰ نفر جمعیت - حکومت آن جمهوری است ۵۴٪ جمعیت آن ساکن شهرها هستند. نژاد مردم آن - دورگه سیاه و سفید یا سرخ بوده و بیشتر مسیحی میباشند زبان رسمی، اسپانیولی و پایتخت آن شهر پاناما میباشد .

جنس : از اصطلاحات علم منطق صوری است و در پاسخ سؤال (آن چیست ؟) درباره افراد یا اشیائی که حقیقت آنها مختلف است ولی از لحاظی جنبه مشترک دارند اطلاق میشود . مثلاً : (انسان و اسب چیستند ؟ حیوان) - (آن شبح متحرک چیست ؟

(حیوان) انسان و بادام چیستند ؟ جسم نامی)

سُورَةُ الْمُلُوكِ : از عظیم ترین الواح نازلده ر ادر زنه که بطور کلی در آن لوح، زمامداران ، فلاسفه ارض و . . . و بطور خاص پادشاه عثمانی ، وزراء و کلا و سفراء آن اقلیم مورد خطاب قلم اعلی واقع شده اند . (به جزوه ۲۳ مراجعه شود)

مهاجر : مُتَصَاعِدٍ اِلَى اللّٰهِ كَثْرَ رَحْمَتِ اللّٰهِ مَهَاجِرٍ از حضرات ایادی امر الله بودند که در اکتبر سال ۱۹۵۷ باین مقام مفتخر شدند . قسمت زیادی از خدمات و فعالیت های ایشان در کشور بولیوی بوده است .

نوع : از اصطلاحات علم منطق صوری است. در مورد افراد یا اشیائی که حقیقت آنها یکی است و در مواردی که بتوانیم تمام ماهیت شیئی را در پاسخ سؤال (آن چیست ؟) بیاوریم، نوع گفته میشود (مثلاً : یا قوت چیست ؟ جسم) - (درخت چیست ؟ جسم نامی) - (جمشید چیست ؟ انسان) - (شاپور و فریده چیستند ؟ انسان)

x x x x

(*) اطلاعات جغرافیائی از "اطلس کامل گیتاشناسی" بطور خلاصه نقل شده است .

Handwritten text in Urdu script, appearing to be a list or a series of notes. The text is faint and difficult to read due to the quality of the scan. It seems to contain several lines of text, possibly starting with 'موسسه ملی مطبوعات امری'.

موسسه ملی مطبوعات امری

۱۳۱ بدیع

Additional handwritten text at the bottom of the page, including what appears to be a signature or name.